

شعر سیاسی و انقلاب اسلامی

مرتضی شیرودی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

در تاریخ سیاسی اجتماعی دوره پهلوی دوم، سخنان به نظم و نثر درآمده‌ای که چون سخن از قدرت و حکومت گفته‌اند شعر سیاسی نام گرفته‌اند، نخست در تثبیت نظام شاهنشاهی و سپس در ترویج اندیشه‌های ناسیونالیستی و کمونیستی به کار رفت اما پس از شکست نهضت ملی شدن نفت و با آشکار شدن ناکامی اندیشه‌های ناسیونالیستی و کمونیستی در مبارزه علیه استبداد و به تأثیر از نهضت امام خمینی (ره)، رنگ و بوی مذهبی به خود گرفت و البته این شعر نیز، در جهت دادن مبارزان سیاسی به دین و به کارگیری آن در مبارزه سیاسی، اثر گذارد. مقاله حاضر در پی نشان دادن این تأثیر متقابل است. در این راه، مقاله، نخست به ارائه تعریف شعر سیاسی می‌پردازد و آن گاه، حوادث تاریخی موثر بر محتوای شعر سیاسی و وقایعی که به گرایش دینی آن انجامید را به میان می‌آورد و در بخش اصلی مقاله، تأثیر متقابل شعر سیاسی و انقلاب اسلامی را به تصویر می‌کشد.

کلید واژه: شعر سیاسی، ملی، ناسیونالیسم، مذهبی، امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، ایران، رضا شاه، محمدرضا شاه شهید، شهداء و شهادت.

شعر سیاسی، تعاریف و زمینه‌ها

شاعری در تعریف شعر به زبان شعر گفته است:

چه باشد شعر؟ آه سینه سوزی کز جگر خیزد

نوای دردمندی کز دل دیوانه برخیزد

چه باشد شعر؟ نجوای نسیم و غنچه در گلشن
 کز آن دامان گل رالعل از خون جگر خیزد
 چه باشد شعر؟ دریای خیال‌انگیز و رؤیایی
 که از رزفای امواج خروشانش گهر خیزد
 چه باشد شعر؟ عنقای ستیغ کوه استغنا
 که در پرواز او، آتش زجان خشک‌وتر خیزد
 چه باشد شعر؟ بستانی بهار آذین و جان پرور
 که در هر پرده از گل‌های آن نقش دگر خیزد
 به روی برگ گل همچون پرنده اشک بنشیند
 به اوج کهکشان‌ها، از حریر آه برخیزد
 سرودی آسمانی، محفل آرا عرش قدسی را
 خروشی کز درون سینه اهل هنر خیزد
 فروغ افتخاری، آفتاب عالم افروزی

که در معراج دل‌ها، برتر از شمس و قمر خیزد^۱
 در عبارت شعر سیاسی، تاوازه سیاست هم معنا نشود، معنای شعر سیاسی به دست نمی‌آید.
 سیاست در لغت به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن،
 مجازات نمودن، اداره امور داخلی و خارجی کشور و نظایر آن آمده است. به همین جهت،
 سیاست را به معانی مختلفی چون سیاست مالی، سیاست تربیتی، سیاست شعری و... به کار
 می‌برند.^۲ اما سیاست در اصطلاح، به هر نوع تدبیر و تلاش فردی و یا جمعی گفته می‌شود که
 برای دستیابی به قدرت سیاسی، حفظ و یا افزایش آن صورت می‌گیرد. چنین تلاشی به منظور
 اداره امور کشور یا رهبری و مدیریت سیاسی جامعه بر اساس ارزش‌های مورد نظر انجام
 می‌گیرد. بر این اساس، هر تلاش و اقدامی که برای کسب، نگاهداری و گسترش قدرت سیاسی
 صورت می‌پذیرد، یک امر سیاسی به حساب می‌آید.^۳ البته پدیده‌های سیاسی، دو چهره دارند:
 چهره‌ای از خیانت، مکر، تزویر و دروغ که بر پایه منافع شخصی و گروهی استوار است، و
 چهره‌ای از خدمت، صداقت، درست‌کاری که بر اساس منافع عمومی پایه‌گذاری شده است.
 سیاست از نوع اول که بسیار متداول و رایج است، مردود و مذموم است، و سیاست از نوع دوم که
 در سیره انبیای عظام، ائمه اطهار علیه السلام و پیروان صدیق‌شان دیده می‌شود، پسندیده و
 موجب رشد و تکامل مادی و معنوی بشر است.^۴

با توجه به تعریفی که از شعر و سیاست گذشت می‌توان شعر سیاسی را سخنان به نظم و نثر درآمده‌ای دانست که:

به صورت مستقیم درباره قدرت سیاسی سخن بگوید، یا نسبت به نظام سیاسی و اجتماعی موجود یا ایده‌آل اظهار نظر کند.

به دیگر سخن، شعری که به موضوع قدرت، حاکمیت و روابط غیر شخصی پردازد، سیاسی است، بنابراین تعریف، همان‌گونه‌ای که شاعری گفته، شعر سیاسی مسئول است و خود را مسئول می‌داند.

شعر مسئول بود حق پرور	نه ستایشگر زور است و نه زر
شعر مسئول پیام است و خروش	از خدا نغمه و از غیب سروش
شعر مسئول حماسه تیش است	بعث و نهضت و شور و جهش است
شعر مسئول سرافراشتن است	در درون تخم وفا کاشتن است
شعر مسئول جهاد است و تلاش	نه شکم‌بارگی و حرص و معاش
شعر مسئول بُت انداختن است	نه مداحی، بت ساختن است ^۵

نتیجه این که شعر سیاسی، یا مستقیماً و با صراحت و یا در قالب اشعار غیر جدی یا طنز سیاسی به قدرت سیاسی یا نظام سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. شعر سیاسی از نظر محتوا نیز دوگونه است. برخی از اشعار سیاسی طرفدار حاکمیت و حامی وضع موجودند، و برخی دیگر، به نقد حاکمیت روی آورده‌اند. مهم‌ترین موضوعات شعر سیاسی را وطن، آزادی، استبداد، استقلال، عدالت، مردم، زنان، جنگ، تاریخ، انقلاب، فداکاری در راه وطن، شهادت و... در بر می‌گیرد. از این رو، در دوره پررفت و آمد تحولات سیاسی، بازار شعر سیاسی داغ و مشتریان آن بسیارند، یعنی این که شعر سیاسی یک پدیده اجتماعی است، و از این رو، بسترهای زایش آن را باید در حوادث و رویدادهای خوب و بد سیاسی جستجو کرد. بنابراین، درک و فهم صورت و سیرت شعر سیاسی در عصر پهلوی به ویژه پهلوی دوم یا مشروطه سوم، مستلزم معرفت و بصیرت به حوادث عمده سیاسی معاصر، یا لااقل مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن است. از جمله:

۱. اشغال نظامی ایران (۲۰ شهریور ۱۳۲۰): گرایش رضاشاه به آلمان، بهانه‌ای شد که ایران به اشغال متفقین (آمریکا، انگلیس و شوروی سابق) درآید، در حالی که هدف اصلی آن‌ها در حمله و تجاوز به ایران، ارسال آسان مهمات و دیگر خدمات جنگی به جبهه روس‌ها و تضمین امنیت

نفت جنوب ایران از خطر آلمان بود. اشغال ایران به استعفای رضاشاه و دست‌یابی ولیعهد جوان و بی‌تجربه به قدرت و پدید آمدن فضای باز سیاسی طی ۱۲ سال پس از آن انجامید که حاصل آن، شکل‌گیری احزاب سیاسی چون حزب توده ایران، جبهه ملی، فدائیان اسلام، حزب دموکرات و غیره و هم‌چنین نشر ۲۶۸۲ جریده است. این رقم، از لحاظ کمی با ۵/۵ برابر مطبوعات منتشره طی سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ (مشروطه اول) و ۴ برابر مطبوعات منتشره در طول سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ (مشروطه دوم) بود. در سراسر دهه ۱۳۲۰ و در سال‌های آغازین دهه ۱۳۳۰، سیاست ایران، عرصه رقابت سه نیروی دربار، مجلس (احزاب) و دولت شد. مجلس به علت ضعف دربار، تضمین‌کننده اصلی سیاست بود، و مناظرات پر شور در مجلس و بی‌ثباتی کابینه‌ها از پیامدهای تنوع نیروهای سیاسی به شمار می‌رفت. غائله خودمختاری آذربایجان و کردستان، تبعید آیت‌الله کاشانی، دریافت حق انحلال مجلس از سوی شاه، ترور ناموفق محمدرضا، و به ویژه، کشمکش بر سر نفت بر وخامت اوضاع افزود. شعرگویان سیاسی با بهره‌گیری از این حوادث سیاسی به سرانیدن و غنی‌سازی اشعاری سیاسی، دست زدند که این شور و شوق فزاینده، در تولد و زاده شدن نهضت ملی شدن نفت مؤثر افتاد.^۷

۲. کودتای انگلیسی و آمریکایی (۲۸ مرداد ۱۳۳۲): پافشاری در کسب اختیارات ویژه، آزاد گذاشتن حزب مارکسیستی توده، به‌کارگیری سیاست‌مداران بدنام و... از سوی مصدق و دولتش، از دلایل اصلی جدایی نیروهای مذهبی از دولت مصدق و در تنگنا قرار گرفتن مردم به دلیل بحران اقتصادی، بلوکه شدن طلاهای ایران از سوی شوروی سابق، خودداری کشورهای اروپایی از خرید نفت ایران و... از دلایل شکست نهضت ملی شدن و وقوع کودتای ۲۸ مرداد است. پس از کودتا، دولتی مستبد با اتکاء به درآمد نفت روی کار آمد. شاه نیز، در ۱۳۳۴ با برکنار نمودن زاهدی، به سوی تمرکز قدرت بیشتر رفت، حضور آمریکا در ایران افزایش یافت، و در واقع جایگزین قدرت استعماری انگلیس گردید. ساواک یا پلیس سیاسی به کمک سیا و موساد تشکیل شد، سرکوبی مخالفان سیاسی شدت گرفت، احزاب دولتی و بله قربان‌گو پدید آمد. از فعالیت فدائیان اسلام، حزب توده، جبهه ملی که به ترتیب، نماینده سه جریان سیاسی اسلامی، الحادی و ملی بودند، جلوگیری شد. ایران بیش از گذشته به سوی اتحاد نظامی با غرب حرکت کرد، و به عضویت اتحادیه‌های نظامی درآمد، سیاست‌های ضد کمونیستی خود و با در واقع، سیاست‌های علیه شرق را سرعت بخشید، و به حضور فعال نظامی تحت نظارت آمریکا

در منطقه دست زد. نفت که به خاطر آن، نهضت ملی شدن نفت روی داد، مجدداً به سلطه اجانب درآمد، و در یک کلمه استبداد خشن و لخت بر همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور حاکم گردید. شاعران به تأثیر از جو اختناق و رعب‌آور پدید آمده، کنج عزلت اختیار کردند، و دیگر، شعر به عنوان سلاحی برای مبارزه آشکار سیاسی به کار نرفت، بلکه آثار یأس و نومیدی در شعر سیاسی پدیدار گشت.^۸

۳. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: جان اف کندی در ۱۳۳۹ در آمریکا به ریاست جمهوری رسید. او و مشاورانش، خواهان اجرای فوری اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران شدند. برای تفسیر پافشاری آمریکا در انجام اصلاحات در ایران، دو دلیل ذکر کرده‌اند که اولی یک فریب، و دومی یک واقعیت تلخ و تکان دهنده تاریخی است. دلیل اول: آمریکا از نفوذ کمونیسم به ایران و استقرار یک حکومت کمونیستی در این کشور واهمه داشت. زیرا، وقوع این حادثه، منافع حیاتی آمریکا در حوزه خلیج فارس را مورد تهدید قرار می‌داد. از این رو، با اصرار از دولت ایران می‌خواست با دست زدن به اصلاحات از نارضایتی مردم بکاهد تا کمونیسم امکان نفوذ در ایران فقیر را نیابد. حادثه‌ای که علی‌رغم منفی بودن آثار اصلاحات، هیچ‌گاه اتفاق نیفتاد. دلیل دوم: آمریکا برای سلطه بر بازار داخلی ایران، به ایرانی ضعیف و فقیر نیاز داشت. ایران فقیر و وابسته، بیش از گذشته در اختیار آمریکا قرار می‌گرفت. برای نیل به این مقصود، پروژه اصلاحات آمریکایی در ایران به راه افتاد، و طی حدود ۱۵ سال به جای بهبود وضع اجتماعی و کشاورزی، ایران در یک برآیند کلی نسبت به گذشته عقب مانده‌تر باقی ماند. امام خمینی (ره) با درک این موضوع، با اولین اقدام اصلاحی شاه (لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصوب ۱۶ مهر ۱۳۴۱) به علت مغایرت آشکار با اسلام و قانون اساسی به مخالفت برخاست و دولت را ناچار ساخت، اجرای آن را متوقف نماید. شاه در صدد برآمد با اعلام و اجرای لوایح شش‌گانه یا انقلاب سفید، شکست قبلی خود را جبران کند ولی امام خمینی (ره) به افشاگری علیه این لوایح پرداخت که ماحصل آن، حادثه کشتار مدرسه فیضیه (۲ فروردین ۱۳۴۲) و دستگیری امام خمینی (ره) (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) گردید. دستگیری امام (ره) که در پی سخنرانی افشاگرانه علیه سیاست‌های آمریکایی شاه صورت گرفت، منجر به مخالفت مردم در شهرهای مختلف و سرکوب آن توسط رژیم گردید. امام در ۱۸ فروردین ۱۳۴۳، به علت گسترش مخالف‌های مردمی با اقدام رژیم، آزاد و به قم برگشت اما در پی افشاگری شجاعانه علیه کاپیتولاسیون

(مصوب ۴ آبان ۱۳۴۳) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ تبعید شد که به مدت ۱۳ سال به طول انجامید. این واقعه منشأ‌گریش شعر سیاسی به سوی آموزه‌های دینی شد.

فرآیندهای سه‌گانه شعر سیاسی معاصر

سه حادثه تاریخی اشغال نظامی ایران، کودتای ۲۸ مرداد و قیام ۱۵ خرداد، به سمبل و نهاد سه جریان سیاسی معاصر سلطنت طلب شهریاری، ناسیونالیستی، و اسلامی (مذهبی) مبدل شد. به تأثیر از آن، سه نحله شعر سیاسی شکل گرفت. به دیگر بیان، اشغال ایران و پیامدهای خوب و بد آن، جریان سلطنت طلب شهریاری شعر سیاسی را متأثر ساخت. کودتای انگلیسی و آمریکایی ۲۸ مرداد که جبهه ملی و رهبری آن را به انزوای سیاسی فرستاد، بر صبغه شعر سیاسی ناسیونالیستی و ملی‌گرایی اثر گذارد. حادثه ۱۵ خرداد، نیروهای اسلام‌گرا را پس از ناکامی ملی‌گرایان، در دگرگونی اجتماعی، به نیروی برتر سیاسی مخالف دولت تبدیل کرد و شعر مذهبی ضد دولتی را رونقی شگرف بخشید. در این باره، پیش از این می‌توان سخن گفت:

الف) شعر سیاسی درباری و شاهی: جریان فکری و سیاسی ایران شهری، در صدد یافتن مبانی مشروطیت تاریخی و فرهنگی و نه دینی برای سلطنت بود، به آن جهت که پهلوی‌ها با شعار سکولاریسم غربی، دین را از امور اجتماعی و سیاسی کنار زدند. بنابراین برای نگهداشت سلطنت نیازمند عصبیت یا خمیر مایه تازه، برای انسجام اجتماعی بودند. این جریان که به برخی از فروعات و نتایج دموکراتیک عصر جدید باور داشت، قبل از کودتای ۲۸ مرداد، با جریان‌های فکری و سیاسی عمده به نوعی همزیستی دست یافت ولی در دهه ۱۳۳۰ و با از دست رفتن همزیستی با جریان‌های فکری و سیاسی، و نیز، با موج احیای اسلام مواجه شد. در صدد تثبیت قدرت داخلی از طریق کسب حمایت‌های بیشتر خارجی برآمد، و از دهه ۱۳۴۰ به بعد، با تشدید اسلام‌گرایی، توجه به فرهنگ پیش از اسلام را با شدت از سر گرفت که برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، نمونه‌ای از آن است. مردم و روحانیون متمهد و مبارز هم، به محکوم‌سازی صریح اقدامات ضد فرهنگی شاه و درباریان پرداختند.

ب) شعر ناسیونالیستی و شوونیستی: ناسیونالیسم و ناسیونالیسم افراطی که از آن به شوونیسم یاد می‌شود، اگر چه یک پدیده‌ی غربی نیست، اما پس از انقلاب فرانسه و به تأثیر از آن، به اوج خود در غرب دست یافت، و آنگاه با صبغه غربی وارد جهان غیر غرب شد. از این

زاویه، ناسیونالیسم، سیستمی برآمده از اندیشه لیبرالیستی غرب و آن هم، دست مایه مبارزه طبقه متوسط بورژوا علیه فئودالیسم غربی است پس ناسیونالیسم بر اندیشه اومانیستی و ضد دینی استوار است، و مروج ضرورت به کارگیری شیوه‌های دمکراتیک در زندگی شخصی و سیاسی است. گاهی ناسیونالیسم حتی بر اعتقادات مذهبی و اخلاقی پیشی می‌گیرد، و نیروی محرکه آن، موجب اعمال خلاف انسانی می‌گردد. نفوذ ناسیونالیسم ممکن است تا حدی رسد که بعضی آن را یک نوع مذهب دنیوی در عرض سایر مذاهب قلمداد کنند.

ج) شعر مذهبی و دینی (اسلامی): جریان فکری اسلامی، از ابتدای ورود تجدد یا در واقع، شبه تجدد به ایران، از خود واکنش نشان داد، به مقابله نظری و عملی با آن پرداخت، و کوشید از تمامیت اسلام و موجودیت تشیع در برابر آن، دفاع کند. این خطی بود که با فراز و نشیب‌های فراوان تا اوایل ۱۳۳۰ ادامه یافت اما این جریان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که دیگر ایدئولوژی‌ها، اندیشه‌ها و جریان‌های فکری غیر مذهبی به بن‌بست رسیدند، به جریان فکری غالب و مسلط تبدیل شد، و ضمن خروج از مواضع تدافعی، ابتکار عمل را در صحنه فعالیت‌های ضد دولتی به دست می‌گیرد، و اسلام را به عنوان یک کلیت جامع که پاسخگوی مشکلات و مسائل سیاسی اجتماعی است، مطرح می‌کند. اوج‌گیری این جریان، به سال‌های اولیه دهه ۱۳۴۰ و بعد از آن مربوط می‌شود که آن نیز، به علت تفسیر نو و جدیدی بود که امام خمینی (ره) از اسلام شیعی ارائه کرد. این تفسیر جدید که از آن به اسلام ناب محمدی (ص) یاد می‌شود، به شدت رنگ و بوی ضد طاغوت داشت.^۹ به موازات رشد فزاینده جریان فکری انقلابی اسلام شیعی، مؤثرترین گونه شعر سیاسی تحت عنوان شعر مذهبی شکل گرفت که بر عناصری چون مبارزه با استبداد، تجلیل از شهادت و جهاد، ضدیت با انقلاب سفید، انتقاد از وضع موجود و... استوار بود. به نمونه‌هایی از این شعر نگاه کنید:

به شهوت کشانید، ما را سراپا	به ذلت نشانید، ما را سراسر
به ما چیرگی داد آن راکه دارد	صفات مؤنث، لباس مذکر
بری کرد مردان زمردی و غیرت	عری کرد نسوان ز ناموس و گوهر
هنر آن چنان مبتذل شد به دوران	که خواندند مر دلچکان را هنرور
بدین نکته وصف هنرپیشگان بس	هر آن کوبد آموزتر پر هنرتر ^{۱۰}

این شعری است که حمید سبزواری در اعتراض به برنامه‌های فرهنگی شاه سروده است.

همچنین، اشعار بسیاری در قالب‌های مختلف شعری، در وصف امام خمینی (ره) رهبری نهضت اسلامی ایران، سروده شده که هر چه به پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم بر حجم این‌گونه از شعرها افزوده می‌شود، از جمله، شاعری در توصیف امام قدس سره در تبعید، این شعر را سرود:

آری!

در روزگار مرگ اصالت‌ها

بی تو دگر چه بگویم

از مطلع تمام سرودها

بی تو نشسته اگر فریادا^{۱۱}

در اعتراض به وضع موجود و وضعیت ناگوار فقیران و مستمندان، شاعر نصیحت می‌کند که باید عدالت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهیم. چون درمان تمام دردهای اجتماعی است. ابراهیم صهبا در این باره می‌گوید:

تا چند مستمند کشد بار زندگی

و جهی که بر اداره کشور بود ضرور

باید امان نداد به رندان چیره دست

اینکه که باز فرصتی آمد به چند

درمان درد کشور ایران عدالت است

زین العابدین مؤمن، نیز، در توصیف اوضاع اجتماعی این‌گونه سرود، شعری که برای وصف

بهار خونین ۱۳۴۲ (کشتار مدرسه فیضیه قم) و ۱۳۵۴ (دستگیری طلاب در سالگرد قیام ۱۵

خرداد) به کار می‌آید.

نوروز هم رسید و غمم برقرار ماند

دل همچنان فسرده در این نوبهار ماند

کاین غنچه ناشکفته بر این شاخسار ماند

بگذشت عید و حسرت دیدار یار ماند

بس داغ‌ها که بر دلم روزگار ماند

موج سرشک تا سحر در کنار ماند

آمد بهار خرم و دل سوگوار ماند

گفتم بهار آید و دل بشکفتد چو باغ

هان ای دم نسیم سحرگاه، همتی

آوخ زداغ ناوک حرمان که بر دلم

گویی: ز روزگار چرا شکوه می‌کنم؟

دوش از کنارم آن مه نامهربان گذشت

بگذشت با عتاب و نپرسید حال دل
هان ای دلیل ره مددی کن به امتما!
این میزبان که بود که بر خوان همتمش
این آشنا که بود که بیگانه سان گذشت
رفتی به قهر و دیده‌ی من بر قفای تو
مشکل که نوشداروی لطفش دوا کند
هر زنگ غم که بود بهار از دلم زدود
جز درد و داغ او که به دل یادگار ماند^{۱۳}

مردم ایران در راه مبارزه با سلطنت پهلوی قربانیان زیادی دادند، و در حقیقت پیروزی انقلاب ثمره خون شهیدان بود و بدون شهادت جوانان و از جان گذشتگان، استبداد شکست نمی‌خورد. ۱۷ شهریور ۱۳۵۶ که به جمعه سیاه یا جمعه سرخ معروف شده است، یکی از صحنه‌هایی است که شهادت و شهادت‌طلبی پیروان امام خمینی (ره) به اوج خود می‌رسد.

بـــــر لاله شنیده‌ام ژاله
بـــــر ژاله کنون که یک دشت
لاله برچید و خون فشان گشت
شد لاله‌ی پر زخون نمایان
هم پیر شکسته هم جوان را
کشتند زنان و کودکان را

تعامل شعر، شعارهای سیاسی و انقلاب اسلامی

شعر سیاسی اسلامی به صورت آمیزه‌ای از ادبیات، هنر و حماسه به شعارهای سیاسی راه یافت. حجم و محتوای شعارهای سیاسی از پیش‌تازای مذهب‌یون مسلمان در نهضت امام خمینی (ره) حکایت دارد. اشاره به گونه‌هایی از تأثیرگذاری شعر سیاسی در انقلاب اسلامی و شعارهایش، می‌تواند در درک تأثیر یا وابستگی متقابل آن دو مدد رساند.

۱. تشبیه: یکی از سبک‌های شعر سیاسی، تشبیه است. به نمونه‌های فراوانی از تشبیه شعر و شعار سیاسی آن دوران می‌توان اشاره کرد. در تشبیه‌ها نوعی وزن و آهنگ به چشم می‌خورد که بر زیبایی و گیرایی شعر می‌افزاید. از جمله:

در بـــــهار آزادی
جای شهدا خالی^{۱۴}

در این شعار، بهار پس از زمستان به معنای رهایی نمادین از ظلم و بیدادگری است. در واقع، بهار فصلی است که مردم از ترس سرما خود را در لباس‌های شان پنهان نمی‌کنند.

۲. گفتار عامیانه: شعر سیاسی اسلامی گاه به زبان گفتاری، محاوره‌ای و یا به زبان عامیانه یا کوچه و بازاری مطرح شده است که در عین سادگی و بی‌پیرایگی از خلوص و صمیمیت الهی و خدایی در خور وصف برخوردار است. مانند:

اگر آقا دیر بیاد
مسلسل‌ها بیرون می‌یاد
نم نم بارون می‌یاد
خمینی تهرون می‌یاد^{۱۵}

«آقا» در شعار نخست، به معنای امام خمینی (ره) است که چون مردم او را از خود می‌دانند، لفظ و کلمه «آقا» را برای او به کار برده‌اند. در شعار بعدی، «بارون» به عنوان رحمت الهی دانسته شده که در این جا، مراد امام (ره) است.

۳. بیان نمادهای دینی: شعارهای انقلاب اسلامی که اغلب در قالب شعر تبلور یافته، مملو از ارزش‌های دینی است. این خود نشان از تأثیرگذاری فراوان دین و پیشتازی آن در مبارزات مردم مسلمان ایران دارد. به عنوان مثال:

هر کسی که عدالت خواه است
از قتل حسین علیه‌السلام آگاه است
تا خون مظلومان به جوش است
آوای عاشورا به گوش است^{۱۶}

عاشورا، از برجسته‌ترین نمادهای دینی است که از یک مبارزه عدالت‌خواهانه در هزار و چند سال پیش سخن می‌گوید، و از این رو، به الگوی مبارزه علیه ظالمان و دفاع از مظلومان در همه زمان‌ها تبدیل شده است.

۴. شوخی و طنز: شوخی و طنز می‌تواند به سلامتی رفتار سیاسی تبدیل شود. شوخی و طنز، اثر یک گفتار صریح را دارد، ولی مخاطرات آن برای گوینده چندان نیست. البته گاه به کارگیری طنز سیاسی به معنی جدی نگرفتن قدرت سیاسی است.

شعر سیاسی اسلامی، در وقوع انقلاب اسلامی مؤثر افتاد، و نیز انقلاب اسلامی بر رشد شعر انقلابی و شعر دفاع مقدس تأثیر گذاشت بنابراین، یک تعامل معنادار و دو سویه بین آن دو در یک فرآیند کاملاً طبیعی اتفاق افتاده است. از این رو، شاعران مسلمان انقلابی از تأکید بر تأثیر متقابل شعر سیاسی اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی ابائی ندارند، و با صراحت و شجاعت آن را تأیید می‌کنند. در این جا، به چند مورد اشاره می‌شود:

○ نصرالله مردانی درباره پیوند حماسه و تغزل می‌گوید: «تأثیر انقلاب بر شعر معاصر ایران، روشن و واضح است و این تأثیر، انکارناپذیر است. زبان شعر تازه‌تر شد، و با ترکیبات تازه‌تر شعری رو به رو شدیم. غزل به معنی واقعی شکل گرفت، و شعر حماسه نتوانست در قالب غزل

جای بگیرد. من نیز، به علت علاقه وافری که به فردوسی و حافظ داشتم، سعی کرده‌ام پیوند خوبی بین شعر حماسی و غزل ایجاد کنم که بعدها، شعر دفاع مقدس در این قالب جدید شکل گرفت.» بنابراین، می‌توان گفت که از زمان اولین جرعه‌های انقلاب، مفاهیم جدید وارد عرصه ادبیات منظوم شد و شعرها حماسی تر گردید.^{۱۷}

○ محمدرضا ترکی از رابطه شعر، شعار سیاسی و انقلاب اسلامی می‌گوید: «شاعران انقلاب، خالق شعری متمایز و دارای سبک ویژه هستند. آنها اگر چه از تجربیات شاعران گذشته و امروز بهره‌ها گرفته‌اند، اما انصاف باید داد که میراث‌خوار گذشته‌گرایان و یا وامدار نوگرایان پس از مشروطه نیستند. شعر این شاعران، درون مایه‌ای معنوی دارد که بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد، و در عرصه اجتماعی از زبان حماسی و گاه منتقدانه و بی‌پروا برخوردار است. این شاعران در احیای تحول مناسب غزل موفق بوده‌اند، و آثار قابل تأملی در این قالب آفریده‌اند.»^{۱۸}

○ به عقیده عبدالجبار کاکایی، «انقلاب اسلامی ایران تأثیر مثبتی در شکل، محتوا و صورت ادبیات، گذاشته، به خصوص شعر ما که در فرم و شکل کاملاً اثرپذیر بوده است، و با به وجود آمدن انقلاب، ما یک بازخوانی تاریخی انجام داده‌ایم، این بازخوانی به معنی بازخوانی هویت یک ملت، یعنی نگاه کردن به گذشته تاریخی یک ملت است. با بازخوانی تاریخی شعر ایران، نکات مثبت را جذب کردیم. به طور مثال، قالب غزل که یک قالب سنتی بود، به یمن این بازخوانی به زبان جدید آراسته شد، و از آن قالب سنتی و محتوای سنتی جدا شد.»^{۱۹}

○ حمیدرضا شکارسری در این باره می‌گوید: «اولین و یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات انقلاب بر روند شعر ایران پیدایش یک جمهوری و یک دموکراسی شعری بود. مردمی که دیدند با حضور همه جانبه در صحنه انقلاب توانسته‌اند، یکی از بزرگ‌ترین فرم‌های شعری قرن را شکل دهند، یکی از مستعدترین و در عین حال، وسیع‌ترین صحنه‌ها برای حضور هنر، ادبیات و به ویژه شعر فراهم آوردند. به هر روی، تأثیر دوطرفه شعر سیاسی و انقلاب اسلامی بسیار عمیق بوده است.»^{۲۰}

نتیجه: شهادت در شعر و شعور سیاسی

یکی از خصایص اصلی و اساسی شعر دینی، مذهبی یا شعر انقلابی و خونین، استخدام و به کارگیری مفاهیم مختلف شورانگیز اسلامی برای بیان مقاصد یا دست‌یابی به اهداف الهی خویشتن است. بهره‌گیری از مفاهیم حماسه رزمی، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام، مدح

امامان معصوم علیه السلام، ستایش بزرگان دین، توصیف مناسبت‌های مهم تاریخی انقلاب اسلامی، و نیز، استفاده از مفاهیمی چون: جهاد، شهید، شهادت، خون، مرگ سبز و... از آن جمله است. شاعر مذهبی به پشت‌گرمی خون و ایثار فرزندان رشید، غیور و سر به مهر این ملت توانست، سرود رهایی سر دهد و میل به حکومت فاضله را به شعر در آورد. از این رو، شعر انقلابی مذهبی، شعری وزین، و در عین حال ستیزگر و طوفنده است. این شعر گرچه جوان است، ولی برومند، استوار، معصوم و پویاست. شعر انقلاب، شعر خشم، خروش، مقاومت و مبارزه شهادت است. شعر اعتراض و فریاد، شعر زندگی و مردانگی، و آمیزه‌ای از مهر و قهر، لطف و جنگ، زمزمه‌ای از توحید و اخلاق، جو بیاری از نیایش و کرنش، دریایی است از آب و آتش، آمیخته‌ای از عشق و نفرت است. شعر انقلاب، شعر مبارزه با طاغوت و جالوت، شعر گلوله و گل‌واژه، شعر نبرد و ظلمت، و بازیگر اصلی این نبرد، شهید است. از این رو، اگر شاعر انقلابی از شهید تأثیر می‌پذیرد و از شهید تمجید می‌کند، تمجید او از شخص نیست. شهید شخص نیست، عصاره یک ملت است، پیامبری است که ما را از غرق شدن در گندآب رژیم شاهنشاهی و از ذلیل شدن در برابر صدام عقلی نجات بخشید. تأثیرپذیری شعر سیاسی و مذهبی از شهید و شهادت است که آن را درخشنده می‌کند، طرحی نو می‌افکند، تحولی شگرف تبدیل می‌نماید و هرگز به کالای متروکه تبدیل نمی‌شود، بلکه هر چه از عمرش بگذرد، هدایت‌گرتر و هادی‌تر می‌شود و تنها در ذهن خواص باقی نمی‌ماند.^{۲۱} جلوه‌های مختلف این شعر را می‌توان به وضوح در مقاطع متعدد تاریخ انقلاب اسلامی دید. از جمله:

الف) شعر شهادت، عاشوار و انقلاب اسلامی:

در میان شعرای دینی اسلامی، علی اکبر خوشدل تهرانی (خوشدل) در پرداختن به مقولات ارزشی نهضت کربلا و تسری آن به نهضت امام خمینی (ره) اهتمام ویژه داشت، و در عصر ستم‌شاهی، یکی از شاخص‌ترین چهره‌ها در میان شاعران مذهبی بود که تبیین و توصیف اهداف مقدس این قیام الهی و نیز انقلاب اسلامی (نهضت امام خمینی (ره)) را وجهه همت خود قرار داد، و با به‌کارگیری واژه‌هایی چون خون، شهید، خونین و... اشعار بسیار سرود، مانند:

نازم حسین را، که چون در خون خود طپید	شیواترین حماسه تاریخ، آفرید
دیدی دقیق باید و فکری دقیق‌تر	تا پی برد به نهضت آن خسرو شهید
قامت چون زیر بار زر و زور، خم نکرد	در پیش عزم و همت وی، آسمان خمید

برگی بود زد دفتر خونین کربلا
از دامن سپید شریعت، زدود و شست
یکسان رخ غلام و پسر بوسه داد و گفت
بد تشنه عدالت و آزادی بشر
چونان که گفت خواهر خود را؛ اسیر باش
بانوی بانوان جهان، آن که روزگار
لطف کلامش از امن العدل بین که ساخت
خوشبخت ملتی که ازین نهضت بزرگ
خوشدل! دریغ و درد که ما بهره کم بریم

هر لاله و گلی که به طرف چمن دمید
با خون سرخ خویش سیه کاری یزید
در دین ما، سیه نکنند فرق، با سپید
آن العطش که از دل پرسوز می شنید
آزاد تا جهان شود از قید هر پلید
بعد از علی، خطابه سرابی چون وی ندید
رسوا یزید و ما پرده اهل ستم درید
گردد ز روی معرفت و عقل، مستفید
زین نهضت مقدس و زین مکتب مفید^{۲۲}

خوشدل در شعر فلسفه نهضت حسینی علیه السلام می گوید:

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است
حسین، مظهر آزادگی و آزادی است
نه ظلم کن به کسی، نه به زیر ظلم برو

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
خوشا کسی که چنینش مردم و آیین است
که این مرام حسین است و منطق دین ست^{۲۳}

ب) شعر شهادت در نقطه اوج پیروزی انقلاب اسلامی:

شعر عاشورایی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، همانند شعرهای عباس علمدار، میان دار مبارزه سیاسی انقلابی و خونین است، اما دومین نقطه اوج شعر، شهادت و شعور سیاسی را می توان در آستانه ورود امام خمینی (ره) در شعر فارسی از شاعر معاصر نصراله مردانی یافت. مانند:

ای منجی بزرگ جهان نایب امام
زخم عمیق و کهنه‌ی رزمندگان خلق
در شعله‌های خشم تو آتشفشان شوق
صدها طلسم بسته ظلمت شکسته‌ای
سردار سرفراز جهان با قیام تو
با جنبش جهانی تو در حضور صبح
خون شهیدان نام ترا نعره می زند
می آیی از مدار سحر با پیام فتح

خورشید تابناک افق‌های خون سلام
با مرهم کلام تو می یابد التیام
آتش گرفت خیمه اهریمنان خام
با اسم آفتابی اعظم در این قیام
درهم شکست سنگر دیوان شب تمام
رود سپیده نعرش سیاهی کشد به کام
بر سنگ فرش کوچه آشوب و ازدحام
ای فاتح همیشه تاریخ ای امام^{۲۴}

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، شعارها و شعرهای جنگ و گریز، آتش نمرود و گلستان دوست، گلوله و شهادت و بالاخره مبارزه مشیت و درفش را می‌توان در شعارها و شعرهای فراوان دید از جمله:

نمونه اول:

ای شاه خائن، آواره کردی خاک وطن را ویرانه کردی
کشتی جوانان وطن آه و واویلا کردی هزاران در کفن آه و واویلا

نمونه دوم:

می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت
یا

تا انتقام شهیدم نگیرم ننشینم از پا تا که خود بمیرم

یا

تنها ره سعادت ایمان، جهاد، شهادت

یا

قسم به خون شهدا شاه تو را می‌کشیم

نمونه سوم:

سپاهی بدر میشه خواب آرام، تو یک لحظه

که خون خلق هدر میشه^{۲۵}

ج) شعر شهادت و دفاع مقدس:^{۲۶}

از جمله موارد شعر دفاع مقدس، گزارشی است که از شهادت دارد. شاعران، به نسبت قدرت شهود و کشف خود، ابعاد گوناگونی از شهیدان و شهادت را دیده‌اند، و تصویرهای تازه‌ای از حیات انقلاب اسلامی را ارائه نموده‌اند. خواننده اگر با زاویه دید شاعر، به امر مهم اعتقادی شهادت بنگرد، اشتیاق به شهادت که یک شور و شوق آسمانی است، دل و جان او را تسخیر می‌کند، و او را با قدرت بیشتر در خدمت جنگ و دفاع مقدس قرار می‌دهد. شعرهای زیرین از صنف چنین شعرهایی است:

۱. حسین اسرافیل

کجا بید خوابان (شهیدان) گلچین شده که از خون‌تان عرش آذین شده
ملک صف به صف پیشواز آمده فلک بر تماشا فراز آمده

سال هفتم - شماره ۳۳

کجایید ای سروهای بلند (شهیدان) به طوف شما، جنگل احرام بلند
 به بوی شما آفتاب این چنین گشاده پروبال خود بر زمین
 چه سان سینه‌ها را سپر ساختید؟ که این سان به معراج پرداختید^{۲۷}

۲. قیصر امین پور

جوانه زد غزلی در دلم برای شهادت
 دوباره کرده دلم گویا هوای شهادت
 چه جای خواب سحر؟ آفتاب عشق برآمد
 خروس دهکده در می دهد صلاهی شهادت
 به روی گونه‌ی گل بوسه نسیم سحر بین
 به روی گونه‌ی دل بوسه‌ی صبای شهادت
 اگر چه خانه به خانه تهی است جای شهیدان
 مشام شهر پراز بوی آشنای شهادت
 تو اوج شعر و کلامی، تو خود تخلص و نامی
 تو بیت حسن ختایی، شهادت آی شهادت^{۲۸}

۳. محمدرضا محمدی نیکو

ای شهیدان شد اگر چند زکف جان شما خون بها تقد وصال است زجانان شما
 سرخی خون شما جلوه‌ی پاییز شکست نرود رنگ بهار از رخ بستان شما
 عشق کو پیر خرد طفل دبستانش بود روزگاری است که شد طفل دبستان شما
 عید فرش است که بر بام فلک روز ازل باز گسترده ملک بر در ایوان شما
 بسام تا شام ببیند چه سرگردانند ماه و خورشید در این دایره حیران شما^{۲۹}

د) شعر شهادت رحلت امام خمینی:

شعری که در شهود ریشه دارد، شعری که از اعماق جان و روح شهدا برخاسته است، شعری که درس شهادت می‌دهد، با مرگ این و آن نمی‌میرد، بلکه هر روز پویاتر و رساتر می‌شود. از این رو است که شعر شهادت با امام خمینی (ره) پیمان می‌بندد که پس از او راهش را ادامه خواهد داد. این سخن نشان از آن دارد که شعر شهادت برآمده از مکتبی است که مرگ ندارد، پس شعر شهادت مرگ نمی‌شناسد، بلکه به دنبال حیات ابدی است. به نمونه از این دسته از شعرها از شاعر معاصر؛ پورمتقی بنگرید:

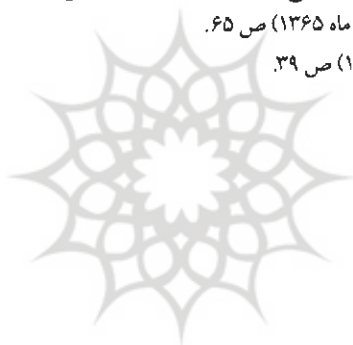
شقایق داغ دار از رفتن تو
به هر خانه، به هر کوچه، به هر کوی
دلم را دست طوفان می سپردم
میان شعله عشق تو ای کاش
سیه پوشم، سیه پوشم، اما ما!
به حق مادرت زهرای مظلوم
زداغت همچنان در پیچ و تابم
قسم بر حرمت خون شهیدان
شقایق رفتی و جامانده، ای وای!
خمینی، عزم یاران کرده، اینک
بمیرم! پیر ما با رفتن خویش
دل عشاق خون شد در عزایت
شبی از آن سوی خورشید بازآ

بهار اندوه بار از رفتن تو
قیامت آشکار از رفتن تو
دو چشمم را به باران می سپردم
چنان پروانه ای جان می سپردم
غرابت کرده خاموشم اما ما!
بگیر اینک در آغوشم اما ما!
غریب کوچه های التهام
اما ما! حافظ این انقلابیم
علم بر دوش گل ها مانده ای وای
جهانی را پسریشان کرده اینک
قیامت را نمایان کرده اینک
دل و دیده، است مشتاق لقایت
که مانده بر دل ما جای پایت^{۳۰}

پی نوشتها:

۱. مجید شقیق، شاعران تهران، ج ۲ (تهران: ستانی، ۱۳۷۷)، ص ۹۲۷.
۲. فرهنگ فارسی عمید، ذیل کلمه «سیاست».
۳. جلال الدین مدنی، مبانی کلیات علوم سیاسی، ج ۱ (تهران: مؤلف، ۱۳۷۲) ص ۱-۲۲.
۴. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸) ص ۵.
۵. یادنامه سومین کنگره شعر و ادب و هنر (مشهد: اداره کل ارشاد اسلامی خراسان، ۱۳۶۲) ص ۵۰.
۶. احمد درستی، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱) ص ۱۰.
۷. آبرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷) ص ۱۷۳.
۸. محمد علی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳) ص ۲۵۱.
۹. حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، ج ۱ (بی جا: بی نا، ۱۳۵۶) ص ۷۱۶.
۱۰. محمد شفیعی فر، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی (قم: معاونت امور اساتید، ۱۳۷۸) ص ۸۰.
۱۱. درستی، همان.
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. شقیق، همان، ص ۱۰۵۵.
۱۵. درستی، همان.

۱۶. «شعارهای انقلاب، آمیزه‌ای از ادبیات، هنر و حماسه»، جام جم (۱۳ بهمن ۱۳۸۱) ص ۱۳.
۱۷. همان.
۱۸. همان.
۱۹. «شاعران از تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر و ادبیات معاصر می‌گویند»، جام جم (۱۶ بهمن ۱۳۸۱) ص ۷.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. درست، همان.
۲۳. منوچهر اکبری، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱ (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) ص مختلف.
۲۴. محمد علی مجاهدی، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی (قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۹) ص ۱۶۰.
۲۵. همان.
۲۶. اکبری، همان، ص .
۲۷. اکبری، همان، ص ۹۳.
۲۸. مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، شعارها و رجزها، ج ۱ (تهران: ستاد فرماندهی کل قوا، ۱۳۷۰) ص ۳۰.
۲۹. مجله پیام انقلاب، شماره ۱۱ (۱۶۷ مرداد ماه ۱۳۶۵) ص ۶۵.
۳۰. مجله سروش، شماره ۳۰ (۱۸ بهمن ۱۳۶۱) ص ۳۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی